



ظریف:

مذاکرات به نتیجه برسد گام‌ها می‌توانند متوقف شوند

کروه دیپلماسی: محمدجواد ظریف در ادامه هفته‌های پرسرگش در بنگلادش برنامه‌های متنوعی داشته است. او با استادان زبان فارسی دانشگاه‌های بنگلادش دیدار کرد و در جمع خبرنگاران نیز حضور یافت. با این حال، سفرش به این کشور آسیایی...

• صفحه ۱۵

پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۸ • ۵ محرم ۱۴۴۱ • ۵ سپتامبر ۲۰۱۹

تنترها

نتایج رقابت ۳ قوه در پاسخ‌گویی

• صفحه ۴

کنایه محمد رضا تاجیک به برخی از اصلاح‌طلبان:

روزی چک سفید امضا می‌دادید و امروز اپوزیسیون شده‌اید

• صفحه ۳

پیشنهاد محمد کاظمی برای کاهش جمعیت کیفری

حق اعتراض به قرارهای بازداشت طولانی‌مدت

• صفحه ۳

چراغ بازار سیاه ناصر خسرو دوباره روشن شد

• صفحه ۱۲

اعتراض به توپ‌های لیگ برتر
برنامه‌ریزی شده است؟

مافیای توپ

• صفحه ۱۴

حرف اول

«ظهور یک اختلاف»

علیرضا قنذرین - تحلیلگر روابط بین‌الملل

نویسنده این نوشتار، سال گذشته در مقالات چاپ‌شده‌ای به عنوان «شکاف در یک اتحاد» و «الزهر در میانه میدان قدرت» به تفاوت اهداف و تناظر منافع

بین امارات و عربستان در یمن پرداخته بود. اکنون اختلاف بین نیروهای یمنی نزدیک به امارات (جنوبی‌ها) و نیروهای دولتی منصور هادی با شدیدترین شکل موجود علنی شده است؛ امروز اهداف «امارات» در جنگ یمن به شکلی مشخص حاصل آمده است؛ موفقیتی برای بن‌زاید که خنجر تدبیر و سیاستش را بر پشت بن‌سلمان مغرور و جوان فرو کرد؛ تجزیه‌طلبان جنوب یمن (مورد حمایت ایوطفی) قصر معاشیق، مقر دولت مورد حمایت سعودی را تسخیر کردند. بسیاری از نیروهای دولتی یا تسلیم یا به تجزیه‌طلبان پیوسته‌اند. امارات اکنون در آستانه تجزیه یمن به شکل کم‌ظفری - در ورای ظرفیت‌های طبیعی ژئوپلیتیک خود- به نقطه سیادت ژئواستراتژیک و شبه‌هژمونیک در استیلا بر بنادر حوزه دریای سرخ نزدیک شده است. شاید بتوان الگوی توسعه اقتدار و سلطه دریایی امارات متحده عربی را در مقیاس تاریخی با امپراتوری‌های دریایی - تجاری اروپایی مانند پرتغال قرن ۱۵ میلادی مقایسه کرد؛ سرزمینی کوچک با ثروتی افسانه‌ای و نیروی دریایی مقتدری که می‌تواند حامی ناوگان عظیم تجاری آن باشد. تحقق افسانه دستیابی به هژمونی در جهان عرب برای سعودی، امروز دست‌نیافتنی‌تر از هر زمان شده، آرزوهای آشفته و افسارگسیخته شاهزاده جوان به مانعی ستبر از برنامه‌ریزی استراتژیک و حساب‌شده اماراتی برخورد کرده است؛ این بازی برای امارات یک بازی دو سر بر د یا به قول عرب‌ها «احدی الخُسَین» است! ایوطفی برای دهه‌ها (از زمان اتحاد مجدد یمن) حامی رهبران درمانده جنوب بوده است. امارات همواره استان‌های جنوبی و شرقی یمن را مجالی برای تقویت مشی مذهبی ضد وهابیت سعودی دانسته و در تلاش برای تقویت بازوهای خود در این استان‌ها کوشیده و در این راه از روابط مستحکم خود با صوفی‌های حضر موت بهره‌برده و برای اعزام شیوخ این مناطق به الازهر تسهیلاتی ارائه کرده و هم‌زمان برخلاف سیاست سعودی با اخوان و القاعده یمن درگیر بوده است؛ بخشی از یمن (اهالی جنوب) همواره امارات را مامن و پناهنده هیوت خود یافته‌اند.

ادامه در صفحه ۲



کنایه کرباسچی به مدافعان مشارکت مشروط:

شمایی که از حضور مشروط صحبت می‌کنید آخرش رأی می‌دهید

کروه سیاست: غلامحسین کرباسچی در سلسله نشست‌های حزب «ندای ایرانیان» تحت عنوان «نسل‌دومی‌های اصلاح‌طلب» گفت: «اینکه آینده انرژی چگونه است و این موضوع چه بلایی بر سر کشورها می‌آورد و مناسبات بین‌المللی چگونه خواهد بود...

• صفحه ۳

سال هفدهم • شماره ۲۵۱۸ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

کم‌اثر شدن تحریم با گذر از اقتصاد نفتی

احمد عظیمی بلوریان - استاد پیشین مریند



نفت در ایران یک پدیده نو نیست؛ از هزاران سال پیش - دست‌کم از ظهور زرتشت- سوخت آتش مقدس ایرانیان در آتشکده‌های ایران نفت بوده است.

معادن نفت میلیون‌ها سال عمر دارند و از مواد آلی رسوب‌شده در اعماق دریاها پدید آمده‌اند؛ اما استفاده از نفت به‌عنوان یک ماده سوختی برای نیازهای روزمره همگان یک پدیده جدید است و از عمر آن کمتر از ۱۵۰ سال می‌گذرد. در ایران استخراج نفت ابتدا توسط رویتز انگلیسی پس از توافق با ناصرالدین شاه آغاز شد؛ اما به‌دلیل اقتصادی نبودن متوقف شد. سپس قرارداد داری در حدود ۱۲۰ سال پیش با ایران منعقد و حاصل تولید به‌صورت یک کالای سوختی ناب به جهان صنعتی صادر شد. در دهه‌های نخست اشاعه نفت به‌عنوان ماده سوختی و حرارت‌زا، در بیشتر نقاط ایران هنوز از خار بیابان برای سوخت در اجاق‌ها و در تون گرمابه‌ها استفاده می‌شد. حتی ورود نفت به بازار مصرف ایران ده‌ها سال پس از استخراج و صدور آن توسط انگلیس از بادکوبه آغاز شد؛ نفت آذربایجان در خیک‌های دوخته‌شده از پوست گوسفند به ایران وارد می‌شد، درحالی‌که نفت جنوب ایران توسط انگلیس‌ها از ایران به بازارهای جهانی صادر می‌شد. ملی‌شدن نفت در اواخر دهه ۳۰ شمسی موجب دو تغییر عمده در اقتصاد ایران شد. نخست اینکه پای آمریکا، فرانسه و هلند به استخراج و صدور نفت ایران باز شد. دوم اینکه درآمد نفت به‌تدریج نقش اصلی را در اقتصاد ایران ایفا کرد. در حرکت پس از آن، افزایش سه برابری بهای نفت توسط اوپک در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳)، اقتصاد ایران به‌تدریج متحول و به‌طور کامل وابسته به درآمد نفت شد. این تحول از یک سو منجر به افزایش قدرت خرید دولت در بازارهای جهانی شد (تولید نفت در سال ۱۳۵۷ به شش میلیون بشکه رسید) و ایران را به یک کشور مصرف‌کننده کالاهای بنجل تبدیل کرد و زمینه استخدام بیش از حد کارمند در سازمان‌های دولتی و سپس پرداخت کمک و یارانه‌های بعدی را فراهم آورد. از سوی دیگر به‌دلیل افزایش بهای نفت در چارچوب اوپک، زمینه استخراج و تولید نفت در آمریکا را فراهم کرد و هم‌زمان کشورهای صنعتی فاقد منابع نفتی مانند آلمان و ژاپن را به روی‌آوری به تولید انرژی‌های بایزاتی مانند انرژی خورشیدی تشویق کرد. امروز با محاصره اقتصادی ایران توسط غرب، اقتصاد ایران دچار تنش بیش از حد شده است. نخست اینکه دست دولت در اقتصاد بسته شده و بازگانی فرامرزی ایران کاهش یافته است. دوم اینکه مردم ایران نیز که در ۶۰ سال گذشته به برخورداری از درآمد نفت در رفاه نسبی به سر می‌بردند، امروز در تنگنای معیشتی قرار گرفته و با کاهش ارزش پول خود روبه‌رو شده‌اند. علاوه بر این، محاصره اقتصادی اعمال‌شده از سوی آمریکا و غرب به دلایلی که بر همگان روشن است، برنامه‌های راه‌های ایران را مختل کرده است. برخی از صاحب‌نظران، محاصره اقتصادی ایران را با همه سختی‌هایش یک فرصت و مانده آسمانی می‌دانند که می‌تواند دولت ایران را تشویق به سروسامان‌دادن به اقتصاد غیرنفتی کند. پرسش این است که در محاصره اقتصادی تحمل‌شده از سوی غرب چه باید کرد؟ غرب به‌ویژه آمریکا از محاصره اقتصادی ایران چند هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه ایران فعالیت‌هایی را که غرب «تهاجمی» و «علیه منافع غرب» می‌خواند، کاهش دهد. دوم اینکه شعار «نه شرقی نه غربی» را از تابلوی وزارت خارجه حذف کند، به‌ویژه اینکه بخش اول این شعار که «نه شرقی» است عملاً در سیاست خارجی ایران حذف شده و ایران روابط صمیمانه‌ای با چین و روسیه، پس از فروپاشی نظام شوروی برقرار کرده است. غرب این تبعیض را نمی‌پذیرد، به‌ویژه اینکه حمایت ایران از گروه‌های مبارز در سوریه و یمن درست نقطه مقابل منافع غرب و متحدان آنهاست. درعین حال آمریکا با حضور پررنگ خود در کشورهای اطراف ایران از برخورد با ایران نگران است. نیروها و کشتی‌های آمریکا و غرب در خلیج فارس پرسه می‌زنند.

ادامه در صفحه ۴

ضمیمه رایگان امروز روزنامه شرق

ویژه استان بوشهر

از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

پاسخ آیت‌الله آملی‌لاریجانی

به نامه اعضای مجمع درباره مجادله با آیت‌الله یزدی

عذرخواهی می‌کنم

ماجرای نامه استجازه صدرصد کذب است



• صفحه ۲

عکس: علی شیریند، میزان

یادداشت

گردشگری، شغل و آینده بهتر

اهمیت گردشگری در ساختار کسب‌وکار

آنچه سازمان جهانی گردشگری را برای انتخاب «گردشگری و مشاغل؛ یک آینده بهتر برای همه» به تامل واداشت، اهمیت این صنعت در اشتغال است. ایجاد شغل با پیشرفت تکنولوژی و رشد جمعیت به یکی از مضطلات کشورها بدل شده است و کشور ما، ایران، با دارا بودن بیش از ۴۵ درصد از جمعیت جوان و نیروی کار، از این قاعده مستثنا نیست و صدا البته این ظرفیت نیروی جوان در کشور کم‌ظنیر است. گردشگری بیش از نفع اقتصادی و درآمد، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ایجاد شغل تأکید دارد. آثار مستقیم حاصل از صنعت گردشگری، با احتساب حدود شش درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی در این صنعت، نمایانگر تخصیص ۳۰۱ درصدی در سال ۲۰۲۶، تعداد یک میلیون و ۹۶۷ هزار؛ یعنی ۹۰۶ درصد از کل اشتغال را تحت پوشش قرار دهد.

جا دارد در آستانه فرارسیدن روز جهانی گردشگری علاوه‌بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های اشتغال در این صنعت پویا، نگاه ویژه‌ای نیز به سرمایه‌های انسانی و مشاغل صنعت گردشگری و وابسته در کشور شده و بازتعریف مشخص و معینی با کد بیمه‌ای برای مشاغل مرتبط با این صنعت یا مشاغلی که به واسطه گسترش این صنعت در کشور پدید آمده است، شود تا ضمن توجه بیشتر به جایگاه بی‌دیل اقتصادی و اشتغال این صنعت پویا قدم‌هایی هرچند کوتاه برای رسیدن به استانداردهای جهانی برداشته شود.

همان‌طور که گردشگر، مسافر و جهانگرد در سطح بین‌المللی دارای تعاریف کارشناسی است؛ مشاغل منشعب‌شده از صنعت گردشگری هم نیازمند تعاریف ویژه است که کشورمان از این خلأ رنج می‌برد که فعالیت بخشی از ارائه‌دهندگان خدمت مانند راهنمای گردشگری که از آن به‌عنوان سفیر فرهنگی نیز یاد می‌شود و سهمی بسزا در حلقه میانی و میزبانی گردشگری دارد، هنوز در کشور ما به‌عنوان یک شغل و حرفه محسوب نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۲

روحانی: گام سوم را برمی‌داریم و در عین حال ۲ ماه دیگر فرصت می‌دهیم

فرصت پایانی اروپا

عراقچی: گفت‌وگو بعد از دریافت ۱۵ میلیارد دلار

خود عمل می‌کند. گام‌های کاهش تعهدات هسته‌ای در واکنش به منتفع‌نشدن ایران از برجام طراحی شد. ۱۶ اردیبهشت یک سال بعد از خروج آمریکا از برجام، تهران اعلام کرد که به برجام بایند است اما هم‌عرض اجرائی‌نشدن تعهدات هسته‌ای از سوی دیگر شرکا، ایران نیز از تعهداتش خواهد کاست. این تعهدات شامل میزان ذخیره اورانیوم و درصد غنی‌سازی بود. ادامه در صفحه ۶

شرط‌بندی دیگر جواب نمی‌دهد

حاشیه‌ای بر واکنش
مرعشی به گزارش «شرق»



صحت مدعی آن است. در این گزارش صرفا

با یک تحلیل ساده مواجهیم، تحلیلی براساس این پرسش صریح که چرا اعضای کارگزاران در ماه‌های گذشته با خبرگزاری تسنیم، گفت‌وگوهای مشروح شفاهی و تصویری نداشته‌اند. آیا همین «واقعیات و نیازها» است که آنان را واداشته در رسانه‌های اصولگرا به گفت‌وگو بنشینند و از سر همدلی با آنان برآیند. شاید این گفت‌وگوها به شکلی تصادفی رخ داده باشد که در پایان گزارش به این احتمال نیز اشاره شده است، اما خواسته این گزارش را تأیید کرده است. قبل از ورود به بحث لازم می‌دانم ناخرسندی‌ام را از ادامه این بحث که به‌نوعی مواجهه‌ای است با دوستان و همکاران سابقم در روزنامه «شرق»، یعنی محمد عطریانفر، محمد قوچانی و سعید لیلای ابراز کنم. اما از سوی دیگر لازمه شفاف‌سازی و باور به دموکراسی، مواجهه انتقادی با جریان‌های سیاسی است. امیدوارم در این مجادله با را از این فراتر نگذارم.

حسین مرعشی، یا گزارش «شرق» را دقیق نخوانده است یا بعد از خواندن آن استنباطی متفاوت از دیدگاه نویسنده آن نداشته است. در گزارش «شرق» اصلا موضوع حمایت کارگزاران از کاندیداتوری علی لاریجانی مطرح نبود بلکه با صراحت و با تکیه بر گفته‌های محمد عطریانفر، پرونده این بحث مختومه اعلام شده بود؛ «برای کارگزاران سازندگی حمایت از علی لاریجانی موضوعیت ندارد و آنان [کارگزاران] از هر اصلاح‌طلبی اصلاح‌طلب‌ترند». به نظر می‌رسد حسین مرعشی با نادیده‌انگاشتن این بخش از سخنان عطریانفر، آگاهانه گزارش «شرق» را به سمت‌وسوی بحثی کلیشه‌ای برده است و دست بر قضا به نکته‌ای اشاره کرده که بنیان این گزارش است و آن اینکه «کارگزاران روی اسب بازنده شرط نمی‌بندند». گزارش با زبانی محافظه‌کارانه و پیچیده در لفاف ایما و اشاره، نکاتی را مطرح می‌کند از جمله اینکه کارگزارانی‌ها به دلیل ویژگی تکنوکرات‌بودنشان و تفکری که وادار نوعی تساهل و مدارا است، چندین به اصول و منش سیاسی خاصی وفادار نیستند و به اقتضای وضعیت سیاسی دچار قبض و بسط می‌شوند؛ تفکری که نه‌تنها مذموم نیست بلکه حامیان فراوانی نیز دارد. به گفته مرعشی، «کارگزاران حزبی است که متناسب با واقعیات و نیازها تصمیم می‌گیرد اما در مورد انتخاب و حمایت از علی لاریجانی باید گفت کارگزاران چهره‌های حزبی دارند که هم رأی بالائی نسبت به لاریجانی دارند و هم مورد حمایت نظام هستند». بخش اول گفته‌های مرعشی یعنی اینکه «کارگزاران حزبی است که متناسب با واقعیات و نیازها تصمیم می‌گیرد»، دلیل اصلی انتشار این گزارش و تأهیر تأییدی بر

ادامه در صفحه ۲

دکتر حسن تقی‌زاده انصاری

گردشگری فارغ از رسالت فرهنگی و اجتماعی‌ای که دارد، یک صنعت است؛ صنعتی که در کنار ویژگی‌های متفاوت هر کشور نسبت به کشور دیگر به‌عنوان یک مزیت از فعالیت اقتصادی و توسعه مناسبات اقتصادی آن تولید درآمد می‌کند. «گردشگری و مشاغل؛ یک آینده بهتر برای همه» عنوانی است که جهان از ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۹ بر آن تأکید می‌کند. شغل و آینده بهتر دو عنوانی است که برای یک سال جهان بر آن صحه گذاشته بود.

امروزه کشورهایی همانند آمریکا که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان است، بالاترین آمار جذب گردشگر را به خود اختصاص داده‌اند و این بخش را به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمدی خود مدنظر قرار می‌دهند.

در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز کشورهایمانند قطر، امارات متحده عربی و بحرین که تولیدکننده نفت در جهان است، بالاترین آمار جذب گردشگر را به خود اختصاص داده‌اند و این بخش را به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمدی خود مدنظر قرار می‌دهند. در آخرین به‌روزرسانی سازمان جهانی توریسم (UNWTO)، تعداد گردشگران به میزان ۳۰۳ درصد به طور میانگین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰ افزایش پیدا می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده سفر بیشتر ۴۳ میلیون گردشگر جهانی در هر سال و رسیدن به عدد یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون گردشگر تا سال ۲۰۳۰ است. به‌عنوان یک تجارت بزرگ و سرویس جهانی، گردشگری ورودی تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین شاخه‌های مبادلات جهانی شده است. درآمد کلی حاصل‌شده از گردشگری ورودی با احتساب حمل‌ونقل مسافران بیش از یک تریلیارد و ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ با به‌عبارتی سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در هر روز به طور میانگین بوده است. حساب صادرات گردشگری به اندازه ۳۰ درصد از مبادلات جهانی سرویس‌های ارتباطی و شش درصد از کل میزان مبادلات جهانی است. درآمد جهانگردی در سطح بین‌المللی تا سال ۲۰۰۵ حدود ۶۲۲ میلیارد دلار بوده و هر جهانگرد از اروپا و آمریکا بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ دلار هزینه کرده، درحالی‌که این رقم در ایران کمتر از ۵۰۰ دلار بوده است.

ادامه در صفحه ۲